

از جنجال انتخاباتی تا اعتراض معلمان

۳ خرداد ۱۴۰۰ ساعت ۱۲:۵۵

اعتراضات به وجود آمده پیرامون انتخابات در نهایت باعث شد تا شاه دستور انحلال مجلس را صادر نماید. با این اقدام، اقبال مجبور به استعفا شد و انتخابات مجلس بیستم مجدداً آغاز شد. این بار برخلاف انتخابات قبلی، افراد سایر احزاب نیز توانستند به مجلس راه یابند. اقبال نیز به نمایندگی از مردم مشهد توانست آرا لازم را کسب نماید.

مجلس در دوره پهلوی دوم و به خصوص بعد از [کودتای ۲۸ مرداد](#) به نهادی ناکارآمد در ساختار سیاسی کشور تبدیل شد. با این حال علیرغم آنکه شاه بر مجلس سلطه کامل داشت و تقلب در انتخابات موضوعی آشکار و هویدا بود؛ اما در مواردی تقلبات با جنجال بسیار همراه بود. نمود این وضعیت را می‌توان در مجلس شورای ملی در دوره بیستم مشاهده نمود که علیرغم آنکه قرار بود در محیطی آزاد صورت گیرد، با تغلبات وسیع همراه شد و استعفای اقبال را به همراه آورد. این در حالی بود که شاه به آمریکا قول داده بود انتخاباتی آرام و آزاد را برگزار نماید. با این مقدمه کوتاه در ادامه به علل محقق نشدن اهداف شاه و آمریکا در انتخابات [مجلس بیستم](#) پرداخته می‌شود.

فضایی که انتخابات بیستم در آن قرار داشت

۱۹ خرداد ماه ۳۹ عمر چهار ساله مجلس نوزدهم به سر آمد و [منوچهر اقبال](#) که بعد از شهریور ۱۳۲۰ همواره چندین پست مملکتی را برعهده داشت، حال در سمت نخست وزیری، مسئول برگزاری انتخابات مجلس بیستم شده بود. وی در زمان نخست‌وزیری، [حزب ملیون](#) دولتی را تشکیل داد که این حزب در انتخابات شورای ملی بیستم با حزب مردم به ریاست اسدالله علم، به رقابت پرداختند.^۱ در این شرایط مبارزه اصلی میان سه حزب ملیون، مردم و حزب منفردین بود و شاه درصدد بود با اجرای انتخاباتی آرام و آزاد، ضمن ایجاد ثبات سیاسی، رضایت عمومی مردم را نیز جلب نماید. از این رو شاه در زمان برگزاری انتخابات با صراحت بر آزاد بودن انتخابات تأکید نمود.

انتخابات مجلس بیستم از اهمیت زیادی برای شاه و حتی آمریکا برخوردار بود. زیرا «این زمان مقارن با تغییر ریاست جمهوری آمریکا بود و شاه قول داده بود که انتخابات آزادی برگزار کند. دولت اقبال اکثر کرسی‌های نمایندگی را به حزب خود اختصاص داده و کار دخالت در انتخابات را به تهدید و فشار و جعل و تقلب علنی کشانده بود.»^۲ انتخابات بیستم در نهایت برگزار شد؛ اما برخلاف انتظار شاه، انتخابات آن به یکی از انتخابات جنجالی تبدیل شد، زیرا حزب مردم و منفردین با اعتراض به آن مدعی بودند که اقبال با تقلبات وسیع و گسترده، اعضای حزب خود را وارد حزب نموده است.

بعد از برگزار انتخابات علاوه بر دو حزب مردم و منفردین، برخی از افراد و گروه‌های مستقل مردمی نیز به اعتراض پرداختند. جبهه ملی از جمله احزابی بود که علیرغم آنکه مشارکت چندانی در انتخابات نداشت اما شدیداً به آن اعتراض نمود. رهبری اعتراضات جبهه ملی را اللهیار صالح بر عهده داشت. البته صالح خود به نمایندگی از مردم کاشان در انتخابات شرکت کرده بود و یکی از منتقدان سرسخت شاه بود. او نتوانسته بود آرا لازم در انتخابات را کسب نماید. در رابطه با تجمع اعتراض‌آمیزی که توسط صالح شکل گرفته بود آمده است اعلامیه‌ای که در آن به مجلس اعتراض می‌شد در میان مردم پخش شد. وقتی جلسه شروع شد جمعیت در حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر بود که ظاهراً بیشتر آنها دانشجو بودند. به علاوه تعدادی تماشاچی نیز وجود داشت. تظاهرکنندگان پر سروصدا ولی منظم بودند. صالح در سخنرانی نسبتاً غیرجالب خود گفت که ملت ایران از مجلس بیستم خیلی ناراضی است. او در مورد نارضایتی اخطار کرد و گفت اگر برای ساکت کردن اوضاع کاری صورت نگیرد، امکان به وجود آمدن نتایج نامطلوب بعدی وجود دارد.^۳

اعتراضات به وجود آمده پیرامون انتخابات در نهایت باعث شد تا شاه دستور انحلال مجلس را صادر نماید. با این اقدام، اقبال مجبور به استعفا شد و انتخابات مجلس بیستم مجدداً آغاز شد. این بار برخلاف انتخابات قبلی، افراد سایر احزاب نیز توانستند به مجلس راه یابند. اقبال نیز به نمایندگی از مردم مشهد توانست آرا لازم را کسب نماید. بر این اساس مجلس در اسفند ۱۳۳۹ گشایش یافت و شریف امامی مسئول تشکیل کابینه شد. البته انتخابات دوم مجلس بیستم نیز با اعتراضاتی از سوی مردم به خصوص دانشجویان همراه بود و تردیدهایی در رابطه با آن وجود داشت. چنانچه در جریان اعتراضاتی که در همان آغاز شکل گرفته عده‌ای مجروح و یا کشته شدند. از سویی خود مجلس نیز از همان ابتدا با مشکلاتی همراه بود. بر این اساس «عدم رضایت سیاسی در انجام انتخابات، رشد نگرانی نسبت به افزایش قیمت‌ها و وضعیت اقتصادی به طور کلی غیرقابل قبول و پیدایش یک گروه مخالف باهوش در دوره انتخابات زمستان (جبهه ملی) موجب گردید که بی‌ثباتی سیاسی کشور مورد توجه واقع شود.»^۴

اما در کنار این مشکلات، اعتصاب معلمان در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۰، تیر خلاص را بر فروپاشی و انحلال مجلس بیستم وارد آورد و باعث شد تا مجلسی که تنها دو ماه از عمر آن گذشته بود منحل گردد. قضیه از این قرار بود که وضعیت حقوقی معلمان در آن سال‌ها با مشکلات زیادی همراه بود. زیرا حکومت کسری بودجه شدیدی داشت و این کسری بر حقوق معلمان نسبت به سایر کارمندان تأثیر بیشتری گذاشته بود. در این شرایط، طوماری با مضمون افزایش حقوق معلمان امضا گردید و مورد حمایت سراسری معلمان قرار گرفت؛ گویا این طومار مورد توجه دولت قرار گرفت و قول مساعدت نیز داده شد؛ اما در نهایت تغییری بر وضعیت حقوقی و معیشتی مردم به وجود نیاورد. همین موضوع باعث شکل‌گیری اعتراض گسترده معلمان و کشته شدن یکی از آنان در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۰ شد. این رویداد تأثیر زیادی بر نارضایتی عمومی از دولت به جا گذاشت.

البته جالب است که شاه در آن دوره به دلیل ترس و بدبینی خاصی تصور می‌کرد که آمریکا سازمان‌دهنده اصلی تظاهرات است. چنانچه یکی از مقامات ارشد سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) نیز معتقد بود که آمریکایی‌ها در اعتصاب معلمان دست داشتند. این فرد مدعی بود حتی دو اتومبیل مستشاری نظامی آمریکا در میان تظاهرکنندگان دیده شد. خود شاه هم فکر می‌کرد که دست آمریکایی‌ها در کار است. متأسفانه دسترسی به اسناد و مدارک سیا بسیار دشوار و در مواقعی غیر ممکن است... گذشته از این باید گفت بعید می‌نماید مستشار نظامی آمریکا آن قدر ساده لوح باشد که اتومبیل‌های مستشاری را حتی با پلاک عادی به میان تظاهرکنندگان بفرستد.^۵ با این حال این اتفاقات باعث شد تا شریف امامی هم خیلی زود مجبور به کناره‌گیری گردد. بدین

ترتیب با استعفای زودهنگام شریف‌امامی، پایان کار مجلس بیستم نیز رقم خورد و بساط آن برچیده شد. بعد از استعفای امامی، علی‌امینی مأمور تشکیل کابینه شد.

فهرست منابع

۱. جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۹۴، ص ۵۹۰.

همانجا.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا- جلد دوم، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های

سیاسی، ۱۳۸۶، ص ۷۶۲.

همان، جلد ۸، ص ۳۰۳.

ایرج‌امینی، بر بال بحران: زندگی سیاسی علی‌امینی، تهران، نشر ماهی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۸.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48351/معلمان-اعتراض-لانتخاباتی-جنجا>